

در پنجمین سالگرد زلزله ازگله سوال این است:
چگونه یک سانحه به بحران تبدیل می‌شود؟

زلزله کرمانشاه از سانحه تا بحران





در پنجمین سالگرد زلزله ازگله سوال این است: چگونه یک سانحه به بحران تبدیل می‌شود؟

زلزله کرمانشاه از سانحه تا بحران

رضا واعظی‌زاده | شامگاه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ بود که اسرافیل در صور دمید و پس از آن قیامت، ساکنان سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی خود را در صحرای محشر دیدند درست همان لحظه که صدای ضجه و شیون عزیزانشان در گوش می‌دوید و مغز سر را پوک می‌کرد. اوضاع در ازگله از این هم بدتر بود. این شهر تنها ۵ کیلومتر تا کانون زمین‌لرزه فاصله داشت.

افشین علیخانی که چندسالی مدیرکل بهداشت و درمان هلال احمر است تعریف متفاوتی از «بحران» دارد. می‌گوید هر بلای طبیعی یا انسان‌ساز که منجر به ویرانی یک منطقه، فوت افراد و مصدومیت آن‌ها شود؛ «سانحه» است و ناتوانی ما در پاسخ سریع و مناسب به آن، یک سانحه را تبدیل به «بحران» می‌کند. در این گزارش می‌پرسم بحران زلزله آبان ۹۶ چگونه مدیریت شد؟

این زلزله ۶۲۰ کشته و نزدیک به ۱۰ هزار مصدوم برجا گذاشت. واژه کلیدی این بود «بی‌نظمی». بی‌نظمی که ناشی از عدم هماهنگی دستگاه‌های عضو بود. نمونه‌اش بحران سوخت. شرکت پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی در زمان‌هایی نتوانست به پمپ بنزین‌ها سوخت برساند چون روال اداری مرسوم در صدور حواله بارگیری و حمل، زمان بر بود. بسیاری از ساکنان روستاها و تعدادی از مقامات محلی معتقد بودند، هلال‌احمر نباید به ارزیابی دقیق و محاسبه درصد تخریب در نقاط مختلف توجه کند و باید فرض را بر خسارت بالا در تمام مناطق بگذارد و اقلام اضطراری، شامل بسته‌های زیستی و چادر اسکان را بی‌چون و چرا بین همه‌ی مردم منطقه توزیع کند.

افزایش سطح انتظار مردم از دریافت کمک‌های اضطراری، موجب عدم همکاری آن‌ها با امدادگران

می‌شود. البته خاطرات امدادگران هلال‌احمر از حوادث بزرگی مثل سیل و زلزله نشان می‌دهد که این تجربه کم‌وبیش در خدمت‌رسانی به حوادث غیرمترقبه قبلی نیز مشاهده شده است. سلب‌ریتی‌ها و تعدادی از فعالان اجتماعی از تهران تا کرمانشاه راسا دست به جمع‌آوری کمک‌های مردمی زده‌بودند و بدون برنامه‌ریزی مشخصی در حال توزیع اقلام در مناطق زلزله‌زده بودند تا جایی که موجب اخلال جدی در کار هلال احمر شده‌بود. اگر از سهم رسانه‌های داخلی و خارجی در تغییر سطح توقعات افراد بگذریم و فعلا از عوامل علمی و منطقی ایجاد این انتظارها و توقعات عبور کنیم و به حاصل و نتیجه این موضوع بپردازیم به دو مشکل بزرگ می‌رسیم: اول اینکه موجب شلوغ کاری و مداخله مردم در نظم توزیع اقلام امدادی می‌شود و در این آشفتنه بازار ممکن است عده‌ای که تمایل یا توان حضور در این بی‌نظمی را ندارند، از دریافت به موقع خدمات محروم شوند. یعنی اقلام امدادی به عده‌ای زیادتر از نیاز داده‌شود و به عده‌ای دیگر نه فقط کم بلکه دیر به‌دستشان برسد. اشکال دوم هم استفاده غیر ضروری از اقلام امدادی است. تهیه این اقلام و تجهیز انبارها بسیار پرهزینه است. هلال احمر یک نهاد مردمی و عام‌المنفعه است که باید

در مصارف خود بهره‌وری را مورد توجه قرار دهد. این خبر تلخی است که تعدادی از کامیون‌های اقلام امدادی مفقود شدند و بارشان توسط گروه‌هایی ربوده شد و یک ماه پس از زلزله، آگهی فروش «چادر هلال احمر، نو و استفاده نشده» همه‌جا بود.

از فرهنگ‌سازی تا رسیدن به همکاری

اگرچه در همه‌ی حوادث در نقاط مختلف دنیا، درجانی از بی‌نظمی و درهم ریختگی طبیعی است و نظم جاری از هم گسیخته می‌شود؛ اما، آیا مردم در همه‌ی دنیا ممکن است در نظام توزیع اقلام امدادی اختلال جدی ایجاد کنند؟ یا سطح همکاری و تعامل آن‌ها در بسیاری از کشورها با فراگیری آموزش‌های مختلف و تعالیم حقوق شهروندی افزایش یافته است؟ اما سوال مهم‌تر این است، آیا باید همه‌ی اخلال‌ها را به نام مردم نوشت؟ آیا نهادهای دولتی و عمومی پیش از حوادث به وظایف خود عمل کرده‌اند؟ آیا فرهنگ‌سازی، فقط وظیفه معاونت آموزش در جمعیت هلال‌احمر است و نیازی به مداخله دیگر دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای نیست؟ آیا سیستم توزیع اقلام اضطراری توسط هلال احمر مناسب و کارا است و از امکانات علمی و نرم‌افزاری دنیای امروز بهره‌مند است یا خیر؟ آیا نهادهای امنیتی و انتظامی در عملیات توزیع اقلام به وظایف خود در خصوص



رسانه‌های جمعی به مردم اطمینان خاطر داده شود که اقلام به میزان کافی وجود دارد و در اختیار همه‌ی آسیب‌دیدگان قرار خواهد گرفت. این کار باعث می‌شود نگرانی مردم کاسته شود و در عملیات توزیع تجمع، ازدحام و مداخله نکنند. «

اما چگونه می‌توان این اطمینان خاطر را به مردم داد که آن‌ها در زمان بحران باصبر و آرامش، منتظر بمانند تا حمایت‌های هلال احمر به آن‌ها برسد؟

او پاسخ می‌دهد: «باید یک ضابطه‌ی مشخص تعیین و مدام اعلام شود. یعنی مردم بدانند که براساس اطلاعات خانوار و یا کدملی افراد که در یک سامانه قابل رویت است، نام و خانواده‌ی آن‌ها در فهرست کمک‌رسانی است و طبق این ضابطه در اولویت کمک‌های زیستی و اسکان اضطراری هستند. اگر موفق به تبیین و اعلام یک ضابطه مشخص شویم؛ مردم اطمینان پیدا می‌کنند که اگر از شلوغی و تجمع پرهیز کنند، نظمی حاصل می‌شود و کمک‌ها زودتر به آن‌ها می‌رسد.»

حالا به نقطه‌ی آغاز این گزارش برمی‌گردیم. اگر سازوکار توزیع و امدادرسانی بهتر شود و دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی نه‌تنها به وظایف خود آگاه باشند بلکه در تمرین، بازآموزی و مانورهای مختلف، تجربه عملی همکاری موثر در مدیریت بحران را به دست آورده‌باشند؛ می‌توان امیدوار بود که آموزش و فرهنگ‌سازی در فرایند اجتماع‌پذیری مردم کارآمد و موثر شود.

اما این آموزش‌ها در اغلب کشورهای جهان مرسوم است و بایستی توامان با افزایش توانمندی بحران در کشور انجام شود. این برای جامعه‌ی ایران اهمیت بیش‌تری دارد. چون کشور ما در استعداد اغلب بلایای طبیعی، وضعیت قرمز را دارد.

مردم همان‌گونه عمل می‌کنند که آموزش دیده‌اند، یادگرفته‌اند و در تجربه‌ی زیسته خود، رفتارهای آن‌ها شکل گرفته است. اگر هدف ما تغییر رفتار در مردم است، باید همه نهادها و سازمان‌های مربوطه به کمک هلال احمر بیایند.

را به طور دقیق شناسایی کرد و با احراز هویت دیجیتال از آن‌ها مطمئن شد که اولا این افراد ساکن منطقه تخریب شده هستند. دوم اینکه حتما اقلام امدادی و حمایتی خود را دریافت کرده‌اند و البته ما نیز مطمئن باشیم که هر خانوار مثلا یک‌بار چادر اسکان گرفته است و از توزیع کالاها بیش از نیاز آن‌ها جلوگیری شود.»

ولی‌پور رئیس سازمان امداد و نجات اما خبر خوشی می‌دهد و از آغاز به‌روزرسانی سازوکار توزیع اقلام و تست آزمایشی آن در ماه‌های گذشته می‌گوید: «نرم‌افزار توزیع اقلام و اسکان اضطراری سازمان امداد و نجات طراحی شده و در عملیات امدادرسانی سوانح اخیر مثل زلزله هرمزگان در زمستان ۱۴۰۰ مورد آزمایش قرار گرفت. این سامانه متصل به پایگاه‌های داده‌ی اطلاعات جمعیتی خانوار به تفکیک سالمندان، جوانان، زنان و کودکان است.»

گفته‌شده در زلزله‌ی ۱۳۸۲ بم تعداد زیادی از هم‌وطنان ما که ساکن آن شهر بودند، جان باختند. تعدادی هم پس از تنهایی و مرگ اعضای خانواده به شهر دیگری برای سکونت مهاجرت کردند. اما جمعیت این شهر در زمان توزیع کمک‌های مسکن توسط دولت و بنیاد مسکن، به طور چشم‌گیری از تعداد جمعیت بم در قبل از زلزله بیشتر بود. معمولا در چنین حوادثی افرادی که ساکن منطقه آسیب‌دیده نیستند، برای استفاده از کمک‌های حمایتی به آن‌جا می‌روند. این یکی از مشکلات همیشگی در توزیع اقلام امدادی و اسکان اضطراری هم هست. گاهی فرد تصور می‌کند اگر چادر هلال احمر را بگیرد؛ اسم خود را در لیستی ثبت کرده که می‌تواند امیدوار به دریافت تسهیلات مسکن باشد. حالا رئیس سازمان امداد و نجات امیدوار است با به کارگیری نرم‌افزار توزیع اقلام و اسکان اضطراری جلو این سوء استفاده‌ها گرفته شود.

ضابطه‌مند شدن؛ نیاز امدادرسانی بهتر

شریفی سده در بخش دیگری از گفت‌وگو با پیام هلال می‌گوید: «باید از راه‌های مختلف، به خصوص

برقراری نظم و امنیت در مناطق حلدئه دیده عمل می‌کنند؟

مهدی ولی‌پور، رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر همان ابتدای گفت‌وگو تذکر می‌دهد که عدم همکاری مردم با امدادگران عمومیت ندارد و در بسیاری از مناطق، نوع همکاری مردم بسیارخوب، منظم و صمیمانه است و بعد پاسخ را معطوف به وظایف سازمان‌های دولتی و نظامی می‌کند: «مدیریت بحران شامل زنجیره‌ای از اتفاقات است و طبق قانون مدیریت بحران، ۲۹ دستگاه اجرایی به طور مستقیم موظف هستند؛ وظایف مختلف خود را انجام دهند. این یک چرخه است و هر بخش آن اگر کوچکترین ضعفی نشان دهد؛ در عملکرد همه‌ی مجموعه اثر می‌گذارد.»

میزان مداخله نهادهای دیگر در امدادرسانی

حمیدرضا اسکاش، معاون برنامه‌ریزی و آموزش‌های تخصصی سازمان امداد و نجات معتقد است: «مداخله نیروهای نظامی در عملیات توزیع اقلام امدادی به حادثه‌دیدگان بلایای طبیعی، گاه کم‌تر از حدلازم است و گاه آنقدر زیاد می‌شود که موجب اخلال در کار توزیع اقلام می‌شود.»

اسکاش می‌گوید: «سال ۱۳۹۶ در سرپل‌ذهاب و ازگله، ستاد مدیریت بحران کرمانشاه مصوب کرد که اقلام امدادی هلال احمر برای توزیع سریع در اختیار نیروهای نظامی قرار گیرد و این اتفاق افتاد. نتیجه‌اش هم ایجاد یک جو عدم اطمینان به هلال احمر بود و حضور بسیاری از سلب‌ریتی‌ها که اگرچه با دلسوزی در حال جمع‌کردن کمک بودند ولی باعث شدند؛ نظم امدادرسانی از هم پاشیده شود. وقتی چندین دستگاه در توزیع شرکت می‌کنند، سازوکار توزیع از دست می‌رود و پوشش نامتناسبی برای حادثه‌دیدگان ایجاد می‌شود. نیروهای نظامی بهتر است با ایجاد کریدور برای عبور محموله‌ها، خود به بازکردن و توزیع آن‌ها اقدام نکنند تا هلال احمر بتواند کار خود را انجام دهد.»

بخش اقلام در بحران کار ساده‌ای نیست

مهراب شریفی سده، دکترای تخصصی سلامت در بلایا، از جمله مدیران هلال احمر است که سابقه حضور در عملیات‌های مختلف را دارد. او می‌گوید: «کار امداد و توزیع اقلام، فعالیتی تخصصی است. باید حرفه‌ای انجام شود و به آموزش‌های مداوم عملی و نظری نیاز دارد. نباید تصور شود پخش کردن اقلام کار ساده‌ایست و یک سرباز که تجربه امداد هم نداشته باشد می‌تواند آن را انجام دهد. عمده مشکلات عملیات پاسخ به سوانح به سیستم توزیع منسجم و منظم برمی‌گردد. «

پیشنهاد او این است: «باید از امکانات تکنولوژی روز استفاده کرد. سیستم توزیع در دنیا عوض شده‌است. می‌توان به پایگاه‌های دائمی و عمده‌ی داده‌های جمعیتی وصل شد و به خصوص با اتصال به داده‌های سازمان ثبت احوال و آخرین سرشماری‌های مرکز آمار ایران، سرپرستان خانوارهای مناطق آسیب‌دیده



پرونده‌ای از اجرای طرح «دادرس دانش آموزی تا پیشرفته» به مناسبت هفتادوپنجمین سالروز تاسیس سازمان جوانان هلال‌احمر:

زهرا، زهره، علیرضا از شین آباد تا کشکوئیه

فاطمه پاک‌سرشت | حالا ۱۰ سال از عمرش می‌گذرد، طرح دادرس را می‌گویم. برای روایت تولد این طرح اما باید از ۱۰ سال پیش شروع کرد؛ بعد از وقوع یک خاطره ناگوار که یادش هنوز دل بسیاری را به درد می‌آورد، از وقوع آتش‌سوزی در مدرسه‌ای که همه ایرانیان آن‌ها را می‌شناسند، از دختران ششین آباد که دست خشن و گرم آتش، چهره لطیفشان را در هم کشاند و سوزاند و جایش روی صورتشان ماند. همان زمان بود که طرحی با عنوان طرح ملی دادرس برای مقابله با حوادث غیرمترقبه و در قالب تفاهم نامه‌ای بین سازمان جوانان هلال‌احمر و معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش منعقد شد تا شاید پس از این، دادرس پیشگیری باشد برای مقابله با وقوع حوادث اینچنینی.

ارتش یش از ۳ میلیون نفری

خانواده مریم هنوز آن روز را به یاد دارند، نفسشان بند آمده بود، عرق سرد، راه باز کرده بود و تمام صورت مریم را پوشانده بود. او نفس نفس می‌زد اما نه پدر، نه مادر، نه خواهر و نه برادرها نمی‌توانستند قدم از قدم بردارند تا جان مریم ۱۸ ساله را نجات دهند. «علیرضا حسین‌زاده» پسر نوجوان ۱۵ ساله خوزستانی اما همان لحظه آنجا بود و حامی جان هم‌شهری‌هایش. علیرضا تادید، مریم به دلیل تنگی نفس قادر به تنفس نیست، سریع دست به کار شد. آموزه‌های علمی معلمش به کارش آمد و چند لحظه بعد، خانواده مریم نفس راحت کشیدند از بازگشت حیات دوباره فرزند. این روایت به شکل دیگری در دی ماه ۱۳۹۵، برای شکوفه مختاری در شهر مسجدسلیمان تکرار شد. زمانی که جان یک کودک دو ساله را که جان از بدنش جدا شده بود، نجات داد. از این دست روایت‌ها بعد از اجرایی شدن طرح دادرس در کشور بی‌شمار است.

حالا تعدادشان ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر شده است؛

از تعداد دانش‌آموزانی می‌گوییم که در ۱۰ سال گذشته، از زمان تولد این طرح، پای کلاس درس هشت مبحثی نشسته‌اند؛ پای جلسه درس پناه‌گیری و خروج ایمن، ارزیابی و کنترل علائم حیاتی، حمل مصدوم، حمایت حیاتی پایه BLS و احیاء قلبی و ریوی، خونریزی، پانسمان و بانداژ، شکستگی و آتل بندی، اسکان اضطراری (چادرزنی) و اطفاء حریق نشسته‌اند و با تشکیل تیم های ۱۴ نفره در مدارس، کار گروهی کرده‌اند.

باب پیشرفت باز است

درست است که حالا طرح دادرس عمری ۱۰ ساله دارد، با این حال طرح «دادرس پلاس» برای توانمندسازی جوانان در حال اجراست. آن طور که سیدعلی منیری، معاون جوانان و دانشجویی سازمان جوانان جمعیت هلال احمر در این باره توضیح می‌دهد، بعد از راه‌اندازی و شکل‌گیری طرح دادرس در مقطع دانش آموزی حالا این طرح در حوزه جوانان و دانشجویی نیز فعال شده است. این طرح، با نام

دادرس پلاس یا همان دادرس پیشرفته برای جوانان و دانشجویان اجرایی شده. در طرح جدید دادرس، دانشجویان و یا جوانان بالای ۱۸ سال به غیر از فراگیری آموزه‌های امداد و کمک‌های اولیه به صورت تیم‌های تخصصی و عملیاتی در حوادث کنار سایر امدادگران ایفای نقش می‌کنند. در پشت راه‌اندازی طرح دادرس پیشرفته یک فلسفه نهفته است. این که سازمان امداد و نجات در آینده نزدیک در بخش اسکان اضطراری و برپایی اردوگاه در زمان وقوع بحران و حوادث، نیاز به نیروهای توانمند دارد، نیروهایی که البته از تیم های دادرس پلاس تشکیل شده‌اند.

منیری با اشاره به خلاء اقدامات میدانی در عملیات امدادونجات توضیح می‌دهد: بزرگترین و بیشترین مطالبه عموم مردم و مسئولان در زمان وقوع حوادث از جمعیت هلال‌احمر علاوه بر جست‌وجو، نجات، رهاسازی و انتقال مصدومین، موضوع سرعت‌عمل این جمعیت در برپایی چادرهای امدادی (اسکان اضطراری) برای متاثرین از حادثه است.

زمان وقوع حوادث، در طول سال نیز با اجرای المپیاده آماده، مانورهای مشترک و آموزشی در بحث ارائه آموزش های همگانی، چادرزنی و اسکان اضطراری و کمک های اولیه در خانه‌های هلال در مناطق روستایی، نقاط کم‌برخوردار و پرخطر در مواجهه با حوادث و سوانح طبیعی نیز حضور خواهند یافت.

معاونت آموزش، پژوهش و فناوری جمعیت هلال‌احمر با آموزه‌های امداد و کمک‌های اولیه، اسکان اضطراری و تکنیک‌های برپایی اردوگاه آشنا شدند و گواهینامه رسمی دریافت کرده‌اند. مهم‌ترین اقدامی که این جوانان می‌توانند انجام دهند، برپایی چادرهای امدادی و ایجاد اسکان اضطراری است. در این شرایط جوانان آموزش دیده دادرس، علاوه بر ارائه خدمت در

آن طور که معاون جوانان و دانشجویی سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر توضیح می‌دهد، استانداردهایی برای نصب و برپایی چادرهای امدادی وجود دارد. عملیات نصب یک چادر زمان‌بر است و باید براساس تکنیک‌های خاصی برپا شود. اینجاست که نقش جوانان دادرس خود را نشان می‌دهد؛ زمانی که اعضای جوانان و دانشجویان سازمان جوانان زیرنظر



سخت باور کردند امدادگری می‌دانم

سمیرا صیدی | «دادرس» یعنی دانش آموز آماده در روزهای سخت. زهره علی‌رمضانی دانش آموزی است که توانست آموزش‌های امدادی را در دوران تحصیل و مدرسه زیر نظر مربیان امداد و نجات بگذراند تا در زمان بروز حوادث بتواند لحظات طلایی نجات را دریابد. لحظات طلایی، زمان انتظاری است که نیروهای امدادی و اورژانس در راه رسیدن به مصدوم هستند.

برای شناخت و از سر کنجکاوی در این طرح شرکت کردم اما با گذشت چند روز علاقه‌مند شدم که دوره را به صورت جدی بگذرانم و شوق این را داشتم که به هم‌وعانم کمک کنم ولی واقعا فکر نمی‌کردم آن روز اینقدر نزدیک باشد و بتوانم به یکی از نزدیکانم کمک کنم. شاید اگر یک ماه زودتر چنین اتفاقی می‌افتاد از ترس قالب تهی می‌کردم و هرگز نمی‌توانستم جان او را حفظ کنم.»

مرگ و اتفاق فقط برای همسایه نیست و به ما خیلی نزدیک است و به سراغ خانواده و نزدیکان ما هم می‌آید. اما آن حادثه‌ای که موجب شد زهرا تصمیم بگیرد بعد از فارغ شدن از درس و مدرسه برای گذراندن دوره‌های کامل و تخصصی هلال احمر وقت فراوان بگذارد دقیقا چگونه اتفاق افتاد؟ «پس از چند روز که خانم علی‌رمضانی احیای قلبی و ریوی را به ما آموزش داد؛ خانواده ما، خاله و دایی‌هایم در خانه مادربرگرم مهمان بودیم. خاله من دو دختر دارد؛ دختر بزرگتر، خواهر دوساله خود را بغل کرده و یکدفعه هر دو آنها با هم به زمین خوردند و دخترخاله دو ساله‌ام بی‌هوش شد. همه به شدت ترسیده بودند و نمی‌دانستند باید چه کاری انجام دهند. تنها سر و صدا و گریه می‌کردند. خیلی سخت توانستم آن‌ها را متقاعد کنم که من آموزش CPR را گذرانده‌ام تا اجازه دادند او را احیا کنم و نفس او برگشت.»

برای آموزش وجود ندارد و اغلب از ساده‌ترین امکانات مانند عروسک، بالش و... در آموزش استفاده می‌کنیم. آرزویم این است مدیران جمعیت یکبار هم که شده به کشکوئیه توجه کنند و امکانات بیشتری در اختیار ما قرار دهند.» البته این کمبودها گاهی باعث خلاقیت افراد می‌شود. «دقیقا یادم می‌آید یکی از دانش‌آموزان که بسیار خلاق بود یک لوله باریک از دهان به شکم عروسک وصل کرده بود و با هر بار فوت کردن به آن لوله شکم عروسک بالا و پایین می‌رفت و اینگونه بود که دانش‌آموزان نحوه انجام CPR را آموزش دیدند.

دانش‌آموزان کشکوئیه تاکنون توانسته‌اند به تعدادی از همشهریان خود در مواردی چون خفگی، خونریزی، زخم‌های کوچک و مسمومیت‌ها کمک کنند. اما یکی از کسانی که همیشه در ذهن زهره می‌ماند زهرا است. «دانش‌آموزی به نام زهرا عزیزی که CPR را با بالش به او آموزش داده بودم. زهرا مدتی بعد جان یک نفر را نجات داد و این باعث خوشحالی و افتخار من شد.»

مرگ و اتفاق تنها برای همسایه نیست

ما پس از شنیدن این داستان به دیدار «زهرا عزیزی‌پور» رقتیم تا روایت او را از زبان خودش بشنویم. «من پایه هشتم مدرسه فاطمه الزهرا کشکوئیه بودم که تبلیغ طرح دادرس را در مدرسه دیدم. هیچ شناختی نسبت به هلال‌احمر و طرح دادرس نداشتم. ابتدا فقط

زهرة علی‌رمضانی یکی از نجاتگران زنده جاده عاشقی است که توانسته با ۱۸ سال فعالیت در هلال احمر به دانش‌آموزان بسیاری آموزش دهد و به همه آن‌ها نشان دهد؛ این مسیر بازگشت ندارد. این جاده چنان زیبا و سرسبز است که دیگر هیچ‌کس میل به بازگشت از آن ندارد و تن‌ها به ادامه مسیر یادگیری و کمک به هم‌وعان خود فکر می‌کند.

زهرة در بخش کشکوئیه استان کرمان زندگی می‌کند و ۱۸ سال پیش با گذراندن دوره کمک‌های اولیه وارد هلال احمر شد. او گفت‌وگو را اینگونه آغاز می‌کند: «در مسیر یادگیری پستی و بلندی‌های بسیاری را تجربه کردم چون تنها داوطلب خانم در بخش کشکوئیه بودم و برای گذراندن دوره‌های هلال احمر هر روز باید ۳۵ کیلومتر را با اتوبوس طی می‌کردم، اما همه این سختی‌ها باعث نشد از آرزوی کسب "درجه نجاتگر یکم" دست بکشم و بالاخره آن را گرفتم.»

با افتخار می‌گوید: «دوره مربیگری را نگذراندم و مدرک آن را ندارم اما توانستم بعد از گرفتن درجه نجاتگر یکم، مسئول خانه داوطلبان کشکوئیه شوم و مسئولیت آموزش طرح دادرس را از سال ۹۶ به عهده بگیرم.»

چرا مدیران کشکوئیه را نمی‌بینند؟

زهرة گلایه‌هایی هم دارد: «کاش مسئولان جمعیت که برای نجات جان انسان‌ها ارزش زیادی قائل هستند؛ می‌دانستند در شهرستان کوچک ما امکانات زیادی

گفت‌وگو با امدادگری که برای اولین بار اجرای طرح نوروزی هلال‌احمر را پیشنهاد داد:

داوطلبی که ابرقهرمان شد



«معلولیت: محدودیت نیست» را «سیامک صالح فرج‌زاده» هر روز صرف می‌کند. او کارمند هلال‌احمر است و کارش را با امدادگری شروع کرده، سیامک سال‌ها قهرمان پارالمپیک کشور بود و در میادین بین‌المللی برای کشور مدال‌آوری کرده است. همه او را به ورزشکار بودنش می‌شناسند، به این که سیامک صالح فرج‌زاده قهرمان پارالمپیک کشور، اهل آذربایجان شرقی است و در دوران ورزشکاری‌اش، بارها پرچم سه رنگ ایران را بالا برده و حتی با به دست آوردن مقام نخست، نواختن سرود ملی در میادین بین‌المللی را تکرار کرده است. همه این‌ها را می‌دانند، اما کمتر کسی می‌داند که این قهرمان دو و میدانی کشور، سال‌ها امدادگر بوده است و حالا مسئول فرهنگی-ورزشی جمعیت هلال‌احمر در استان آذربایجان شرقی است. روایت ورود او به جمعیت هلال‌احمر جالب و خواندنی است:

اولین داوطلب جوان استان

روایت امدادگری سیامک را باید از ابتدا تعریف کرد. از سال ۸۰ که از خیابانی عبور می‌کرد. او تعریف می‌کند که آن زمان چشمش افتاده به یک بلبورد که روی آن نوشته شده بود، سازمان جوانان استان داوطلب می‌پذیرد و همین شد تا او از پله‌های ساختمان چند طبقه هلال‌احمر بالا برود و به عنوان اولین جوان داوطلب استان ثبت‌نام کند. پس از آن، او بارها در بحران‌ها و امدادسانی‌ها شرکت کرد اما شاید یکی از افتخارات او نوشتن طرح نوروزی بود. زمانی که برای مسابقات ورزشی به کشور فرانسه رفته بود و آنجا شاهد یک طرح امدادسانی به مسافران بود. صالح فرج‌زاده تعریف می‌کند که جوانان فرانسوی در خیابان‌ها پایگاه زده بودند و به مسافران خدمات ارائه می‌دادند. الگوبرداری از این طرح باعث شد تا سیامک در بازگشت به کشور، طرح نوروزی جمعیت هلال‌احمر را بنویسد و به تهران بفرستد. سال بعد این طرح به صورت سراسری در جمعیت هلال‌احمر اجرایی شد و صالح فرج‌زاده هم به عنوان مسئول این طرح در استان، تا سال‌ها آن را اجرا کرد.

ورزش در کنار امدادسانی

همه ایرانیان اما سیامک صالح فرج‌زاده را به ورزشکاری‌اش می‌شناسند، به این که او چندین دوره قهرمان مدال‌آور پارالمپیک در رشته دوومیدانی بوده است. داستان روی آوردن به ورزش اما جالب است. زمانی که او هم‌زمان به عنوان امدادگر فعالیت می‌کرد و دانشجوی رشته عمران هم بود. صالح فرج‌زاده تعریف می‌کند که یک روز بعد از تمام شدن کلاس‌های درس به همراه دوستانش در باشگاهی حاضر شد و در یکی از سالن‌های ورزشی بود که دید ورزشکاران دارای معلولیت در حال پرتاب دیسک هستند. او می‌گوید که مربی، معلولیت سیامک را که دید از او پرسید آیا دوست دارد پرتاب دیسک را امتحان و ورزش کند؟ این امدادگر تعریف می‌کند: «تا آن زمان به صورت حرفه‌ای ورزش نکرده بودم اما تا حدودی بدن ورزیده و خوبی داشتم، همین شد که یک وزنه برداشتم و آن را پرتاب کردم.» و اتفاقاً این پرتاب آن قدر بُرد داشت تا بتواند حتی رکورد پرتاب دیسک را هم در کشور بزند. این شد که مربی از او خواست تا چند روز بعد دوباره به باشگاه بیاید و زمانی که سیامک دوباره به باشگاه مراجعه کرد، دید چند نفر متشکل از رئیس فدراسیون و هیأت ورزشی استان در سالن حضور دارند تا شاهد رکوردشکنی دوباره سیامک باشند. پرتاب دوباره دیسک باعث شد تا سیامک به تیم ملی پارالمپیک دعوت و برای شرکت در مسابقات جهانی اعزام شود، مسابقاتی که باعث به دست آوردن مقام نخست و مدال طلا شد.

تبعیض هرگز

شاید در نگاه اول زمانی که فردی سیامک صالح فرج‌زاده را می‌بیند این پاهای لاغر و کم‌توان او باشد که به چشم بیاید. او از هر دو پا و به صورت مادرزادی دارای معلولیت است. داشتن معلولیت جسمی-حرکتی اما باعث نشده است که صالح فرج‌زاده خود را محدود کند. سیامک تعریف می‌کند که اتفاقاً هیچ‌گاهی نه خود او و نه همکارانش معلولیتش را ندیدند. او حالا مسئول فرهنگی-ورزشی جمعیت هلال‌احمر در استان آذربایجان شرقی است و همیشه هم همکاران و دوستانش در هلال‌احمر او را آن‌طور که هست، با همه توانایی‌هایش دیده‌اند. او می‌گوید که اتفاقاً نگاه جمعیت به افراد دارای معلولیت کاملاً انسانی است و توانایی‌های آن‌ها دیده می‌شود. شاید به همین دلیل است که صالح فرج‌زاده در مدت زمان بیش از ۲۰ سال امدادگری، همه کارهایش را خودش انجام داده است، با وجود معلولیت در امدادسانی‌ها شرکت کرده و برای انجام کارهایش از کمک کسی هم استفاده نکرده است. این نگاه اما در سایر ارگان‌ها و یا نگاه مردمی وجود ندارد. او از سازمانی می‌گوید که نگاه مهربانی به افراد دارای معلولیت ندارد، فرهنگی که از نظر این قهرمان ملی باید تغییر کند تا افراد دارای معلولیت طعم مفید بودن را بچشند و با تمام توانایی‌هایشان آن‌طور که هستند به کشور خدمت کنند.

با تلاش نجاتگران پایگاه امدادونجات چیتگر در تهران انجام شد:

عملیات نجات در ارتفاعات واریش



محمد سرخبال اقبال از آنکه بگویم علی‌رضا جمعه گذشته، ۱۳ آبان سال جاری برای نجات جان دو پاراگلایدرسوار سقوط کرده در ارتفاعات شمال شرق تهران چه کرد؛ می‌خواهم او را به شما معرفی کنم. علی‌رضا فروزش، نجاتگری که در تیر ماه ۱۳۷۲ در خانواده‌ای که به حرفه پزشکی مشغول بودند، به دنیا آمد و با توجه به محیط خانوادگی و علاقه‌مندی‌اش برای کمک به دیگران و نجات جان افراد، راهی هلال‌احمر شد. علی‌رضا فعالیت خود را از کانون دانشجویی هلال‌احمر آغاز کرد و پس از طی مراحل دوره‌های کمک‌های اولیه و تخصصی، اکنون به عنوان نجاتگر هلال‌احمر استان تهران فعالیت می‌کند.



علی‌رضا روز حادثه را اینگونه توصیف می‌کند: «ساعت ۱۲:۱۰ روز جمعه مشغول گفت‌وگو با دیگر نجاتگران کادر و داوطلب در خصوص ابزارهای تخصصی کوهستان بودیم که گزارشی از مرکز کنترل و مدیریت هماهنگی عملیات هلال‌احمر استان تهران به پایگاه چیتگر در مورد سقوط دو پاراگلایدر سوار در ارتفاعات شمال غربی تهران اعلام و پس از هماهنگی مسئول پایگاه به محل حادثه اعزام شدیم.»

ابتدا محل دقیق حادثه را اشتباه اعلام کرده بودند ولی علی‌رضا و همکارانش با توجه به تجربیاتی که داشتند؛ حدسشان در تخمین محل حادثه درست از آب درآمد اما با توجه به صعب‌العبور بودن مسیر و ارتفاع نزدیک به ۴ هزار متری با تماس به پایگاه امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر در آزادراه تهران-شمال از آن‌ها درخواست نیروی پشتیبان کردند و پس از هماهنگی با تیم‌های اورژانس، با کمک تیم‌های محلی به موقعیت اصلی حادثه رسیدند.

اکنون علی‌رضا به بالای سر مصدومان رسیده است. «ابتدا به ما اعلام کردند هر دو نفر دچار شکستگی پا هستند و مشکل خاصی ندارند، اما پس از

دسترسی به مصدومان متوجه شدیم، یکی از آن‌ها دچار شکستگی از ناحیه لگن و خونریزی شده و بدتر از همه اینکه سطح علائم حیاتی او پایین است. بنابراین برای تسریع در انتقال او به بیمارستان از سازمان امداد و نجات هلال‌احمر درخواست بالگرد کردیم.» مصدوم دیگر اما وضعیت چندان وخیمی نداشت. او از ناحیه پا دچار شکستگی شده بود و پس از اقدامات اولیه تحویل عوامل اورژانس شد و پرونده این عملیات پس از ۴ ساعت تلاش امدادگران در دسترسی و بکت مصدومان برای انتقال در ساعت ۱۶:۲۵ بسته شد.

در روزی که این گزارش را برای پیام هلال می‌نویسم وضعیت جسمانی دو مصدوم این حادثه نرمال است و علی‌رضا به آمادگی همیشگی امدادگران اذعان می‌کند و می‌گوید: امیدوارم هیچ وقت تلفن یا بیسیم



که امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال‌احمر در طول شبانه‌روز آماده هستند تا بهترین خدمات را ارائه کنند.

پایگاه‌های هلال‌احمر به صدا در نیاید و همه هموطنان در سلامت کامل باشند. اما مردم اطمینان داشته‌باشند



با شروع فصل پاییز، ناخودآگاه ضرب‌آهنگ شیوع بیماری‌های فصلی نظیر آنفلوآنزا و سرماخوردگی در ذهن تداعی می‌شود. البته ویروس کرونا هم به جمع آن‌ها پیوسته و شرایط را برای عبور از این فصل بغرنج‌تر کرده است. از آنجا که تغییر فصل‌ها تغییراتی در تمام حیات و همچنین در جسم انسان به‌دنبال دارد، اتخاذ تدابیر خاص مناسب هر فصل لازم و ضروری است. طبیعت پاییز سرد و خشک (سودا) است. در فصل پاییز، مزاج سرد و خشک غالب است و این مزاج مقابل مزاج خون که گرم و تر است قرار می‌گیرد. بنابراین در این فصل به علت تفاوت شدید و یک‌باره بین هوای گرم نیمروز و هوای سرد بامداد و شب هنگام بیماری‌های زیادی بروز می‌کنند. به عبارتی خشکی پاییز موجب لطافت هوای آن است و هوای لطیف از سرما و گرما سریع منفعل می‌شود. به همین دلیل ابتدا و انتهای روز، سرد و اواسط روز گرم است. همین عدم تعادل در دمای هوا، زمینه بروز برخی از بیماری‌هاست که البته با کمی تغییر در شیوه غذایی می‌توان از بیماری‌های فصلی در امان ماند.

غذاهای مضر فصل پاییز

در این فصل، املاح وارد شده به بدن به صورت رسوب در پی خنکی شب‌ها و افزایش صفرا وارد خون می‌شود. به همین دلیل مصرف مواد مسهل برای دفع مواد قلیایی خون (سودا) که شور و تلخ است، مناسب است. همچنین با توجه به این که طبع پاییز سرد و خشک است، مصرف موادی که باعث سردی یا خشکی بدن می‌شود باید کم‌تر شود. موادی مانند سیر و غذاهای حاوی ادویه زیاد مثل سوسیس، کالباس و غذاهای حاوی نمک زیاد مثل انواع شور‌ها و ترشیجاتی چون آبغوره و سرکه و آبلیمو باعث کاهش رطوبت بدن و افزایش خشکی آن می‌شوند. برای همین باید در مصرف آن‌ها دقت کرد. از جمله خوراکی‌های دیگری که باید مصرف آن‌ها در فصل پاییز به حداقل

برسد می‌توان به غذاهای آماده و حاضری، غذاهای فریز شده و مانده، سرخ کردنی‌های مانده، انواع سس، انواع کنسرو، پنیر پیتزا، انواع تنقلات بسته‌بندی شده، کاکائو، قهوه، نسکافه، چای پررنگ، مواد حاوی افزودنی و مواد نگه دارنده، نان باگت یا خمیر، گوشت گاو و گوساله اشاره کرد. البته این غذاها در تمام چهار فصل مضرند اما در این فصل بیش از هر موقع دیگری باید از آنها دوری گزید. همچنین باید مصرف بادمجان، ماهی شور و دودی، پنیر شور، ماست، دوغ و کشک، قارچ، گوجه‌فرنگی، میوه‌های ترش (لیموترش، گریپ فروت، انار ترش و پرتقال ترش)، عدس، لوبیا سبز و ... را در این فصل کمتر کرد و در صورت مصرف هرکدام از این مواد غذایی حتما باید مصلح آن نیز مصرف شود.

غذاهای مناسب فصل پاییز

فصل پاییز مناسب مصرف هرچه بیشتر مواد غذایی با طبیعت گرم و تر است. گوشت بره، شتر، بلدرچین، گندم (نان و جوانه در آش و سوپ)، نخود و لوبیا (با خیساندن نفخ آن گرفته شود)، سیب، مواد غذایی آب‌پز و یا کبابی (سرخ‌کردنی بسیار کم)، میوه‌های شیرین و آب‌دار (انار شیرین و انگور شیرین)، کشمش، مویز، بادام، زرده تخم مرغ (آب‌پز یا عسلی)، شیر خرما و شیر انگور، مربای بالنگ، به، سبزیجات، چغندر، ترب، هل و دارچین، انجیر، شیر با عسل، شیر برنج، فرنی و کنجد همگی غذاهای مناسب فصل

غذاهای با مزاج گرم مصرف کنید

با توجه به این‌که فصل پاییز سرد و خشک است باید از مصرف غذاهایی که سردی و خشکی زیاد دارند همچون ترشی‌جات، عدس، بادمجان، کلم، قارچ، گوجه‌فرنگی، میوه‌های ترش و آب یخ پرهیز کنید و برعکس تابستان، از غذاهایی که مزاج گرم دارند و خون ساز هستند استفاده کنید.

آبگوشت، گوشت گوسفند و شتر و بلدرچین، تخم‌مرغ، حبوبات، غذاهای ادویه‌دار و موادی که طعم شیرین دارند مانند شیر خرما و انگور، فرنی، بادام، شیربرنج، مرباها، میوه‌های شیرین مانند کشمش، توت خشک، مویز، انجیر و از میان میوه‌های تازه مصرف به، سیب، انار و گلابی توصیه می‌شود.



مزاج پاییز سرد و خشک است

همان‌طور که می‌دانید، مزاج پاییز سرد و خشک است، بنابراین در این فصل از انجام هر عملی که باعث خشکی بدن می‌شود، پرهیزید، از جمله این موارد می‌توان به غذاهای بسیار گرم، گوشت‌های مانده و ادویه جات با گرمی زیاد اشاره کرد و موارد دیگر عبارتند از:

پرهیز از نوشیدن آب سرد

تعالادل در مصرف میوه

زیاده‌روی در مصرف میوه‌های فصلی باعث ایجاد مشکلات زیادی می‌شود، بنابراین بهتر است در پاییز تعادل در مصرف میوه را رعایت کنید.

آشامیدن آب سرد باعث ضعف حلق و تارهای صوتی می‌شود و با توجه به شیوع بیماری‌های تنفسی در پاییز، توصیه می‌شود از نوشیدن آب سرد در این فصل خودداری کنید.

ماجرای ۷ ماه سرگردانی در فرودگاه

داستان زندگی پناهنده سوری که از کشور امارات اخراج شد

شهره زمانی | این یکی از همان داستان‌هایی است که به سختی آن را باور می‌کنم. حسن الکنتر، پناهنده سوری ۳۸ ساله که در حال حاضر در کانادا زندگی می‌کند می‌گوید، "فکر می‌کنم اگر کسی این داستان را به من می‌گفت، باور نمی‌کردم ولی برای من اتفاق افتاد."

در سال ۲۰۱۸، الکنتر پس از ۷ ماه سرگردانی در فرودگاه کوالالامپور کشور مالزی به عنوان مرد فرودگاه شناخته شد. داستان او از سال ۲۰۱۱، از زمان جنگ سوریه و زمانی که در امارات متحده عربی زندگی می‌کرد، آغاز شد. او که نمی‌خواست به سوریه بازگردد و به جنگ برود، تا پایان مهلت اعتبار روادیدش در امارات ماند ولی در نهایت به مالزی اخراج شد و به بسیاری از کشورها از جمله کانادا درخواست پناهندگی داد.

الکنتر روی صندلی‌های فرودگاه و در محوطه کوچکی واقع در زیر یک پله می‌خوابید و با کارکنان نظافتی دوست شد و آنها برایش غذا و قهوه می‌آوردند، چون کافی شاپ‌ها در قسمتی از فرودگاه بودند که قادر به استفاده از آنها نبود.

شرایط سخت زندگی، باعث شد او با ناامیدی به شبکه‌های اجتماعی روی آورد و به سرعت به یک موضوع اینترنتی و رسانه‌ای تبدیل شود. بالاخره در سال ۲۰۱۸ یک گروه کانادایی موفق شدند از درخواست پناهندگی حسن الکنتر حمایت کنند و او سوار بر هواپیما به مقصد این کشور پرواز کند.

او هم اکنون با الهام از فعالیت‌های نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به دیگران در این کشور کمک می‌کند تا به مردم کانادا نشان دهد که در دادن فرصت به او برای حضورش در این کشور اشتباه نکرده‌اند.



در انتظار دیدار با اسرای جنگ روسیه و اوکراین

درخواست کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای بازدید از تمامی اسرا جنگ روسیه-اوکراین و دسترسی به آنها

نیراعظم کهرابی و ایقان | یک تیم ۱۱ نفره از کارکنان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، از جمله یک پزشک، در شهر دونتسک آماده هستند تا با اسرای جنگی که در زندان اولنیوکا واقع در این منطقه نگهداری می‌شوند، دیدار کنند.

وظیفه این تیم بررسی شرایط درمانی افراد بازداشت شده و تامین وسایل ضروری مورد نیاز آنهاست و همچنین اطمینان از این موضوع که اسرا قادر به تماس با خانواده‌های خود باشند.

تاکنون وقوع درگیری‌های شدید در منطقه، انجام وظیفه مربوطه را با خطرات و مشکلات خاصی مواجه کرده است. ماه‌ها از آمادگی این تیم برای بازدید می‌گذرد ولی تاکنون تضمینی به لحاظ امنیتی در منطقه وجود ندارد و مجوزهای محلی برای این بازدید دریافت نشده است.

امروز کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دسترسی به همه

اسرای جنگ در این مخاصمه مسلحانه بین‌المللی را ندارد و هشت ماه از درخواست‌های مکرر تیم‌های کمیته برای بازدید از بازداشتگاه می‌گذرد. انتقاد از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به دلیل محرومیت دسترسی سریع به اسرای جنگ و یا خانواده‌های آنها بی‌فایده است. کسی که می‌تواند موثر بوده و برای اسیران جنگی در هر مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تفاوتی ایجاد کند، مداخله دولتهاست. مقامات زندان موظفند با اسرا رفتاری انسانی داشته باشند و مطابق با کنوانسیون‌های ژنو با آنها رفتار شود و علاوه بر این به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اجازه دسترسی داده شود.

مطابق کنوانسیون سوم ژنو، نمایندگان کمیته حق دارند تا از اسیران جنگی به طور منظم بازدید کنند. در هر مخاصمه مسلحانه، هنگامی که به ملاقات اسیران جنگ می‌روند، برای حفظ ارتباط با آنها و

خانواده‌هایشان امید داده می‌شود و مراقبت‌های ضروری و اساسی از قبیل کمک‌های پزشکی به آنها ارائه می‌شود.

تصمیمات کمیته مشخص است. برای دسترسی به اسرای جنگ همواره تلاش می‌شود و ملاقات با تمام اسرا نه تنها برای یکبار بلکه به صورت مکرر در هر کجایی که نگهداری شوند، انجام خواهد شد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۸۶۳ تاسیس شده است و در سراسر جهان فعالیت می‌کند و به افرادی که از درگیری‌های مسلحانه و خشونت‌ها آسیب دیده‌اند، کمک می‌کند و به اشاعه قوانینی که از قربانیان جنگ حمایت می‌کند، می‌پردازد.

کمیته یک سازمان بی‌طرف، بی‌غرض و مستقل است و وظایفش از کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ نشأت گرفته، مقرر کمیته در شهر ژنو کشور سوئیس است و هم اکنون در بیش از ۱۰ کشور جهان فعالیت می‌کند.

به گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در باماکو، میلیون‌ها نفر در کشورهای مالی و منطقه ساحل از درگیری‌های مسلحانه و سوانح ناشی از تغییرات آب و هوایی رنج می‌برند. گرفتاری در بیابان‌ها، آب و هوای نامنظم، خشونت و درگیری‌ها باعث می‌شود که افراد، خانه و کاشانه خود را ترک کرده و دام‌هایشان را رها کنند.

رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هشدار داده است: فشار وارده بر آوارگان و جوامع میزبانی که آب و غذا و همچنین زمین خود را تقسیم می‌کنند، در منطقه ساحل رو به افزایش است. لذا فشار وارده بر افراد باید کاهش پیدا می‌کند و گرنه این رنج و فشار باعث گسسته شدن پیوندهای بین جوامع می‌شود. به گفته ایشان خانواده‌ها از برخورداری از زندگی بهتر ناامیدند.

کنار زنی نشستیم او می‌گوید، مجبور به ترک روستا و کودکانش شده است. بسیاری از همسران و پسران هم جان باخته‌اند و کمک‌های بشردوستانه محدود هستند؛ راهی در پیش روی خود نمی‌بینیم. ما باید این چرخه معیوب پیرامون پدیده تغییرات آب و هوایی، خشونت و درگیری را بشکنیم زیرا این

چرخه معیوب افراد را از زندگی در سرزمین‌های خود دور می‌سازد.

بینتو مادر کودکی ۱۰ ساله که همسرش هنگام فرار از روستا از فرط تشنگی مرده بوده، در پناهگاه موقتی بیرون از ناحیه گائو همراه با ۵ فرزندش زندگی می‌کند. ۵ فرزند دیگر او در منطقه آواره هستند. ما از بحران ۲۰۱۲، مفهوم صلح را درک نکردیم. به گفته بینتو بعد از حملات مرگبار مجبور شدیم تا روستایمان را ترک کنیم. سربازان مسلح، همه مردان، همسران، پسران، دخترانمان را کشتند.

خشونت و درگیری، ۴،۵ میلیون نفر را در کشور مالی، نیجریه و بورکینا فاسو بی‌خانمان و آنها را مجبور به ترک سرزمینشان کرده است.

منطقه ساحل با داشتن ۸۰ درصد جمعیت برای بقای خود به صنعت کشاورزی وابسته است. آواره شدن افراد به معنای عدم دسترسی آنها به سرزمین و دام‌هایشان است. پدیده تغییرات اقلیمی واقعیتی است که هر روز کشور مالی با آن مواجه است.

تمامی دریاچه‌ها، مثل دریاچه فاگوئیبینه خشک شده، و کل اکوسیستم (زیست بوم) تخریب و منجر

درگیری‌های مسلحانه در منطقه ساحل

وضعیت ناامیدانه جوامع به دلیل سوانح ناشی از تغییرات آب و هوایی



به آوارگی افراد شده است.

شاهد گسترش کویرها هستیم و همچنین آبهای زیرزمینی، در حال کاهش هستند که این امر کشاورزان را تحت فشار قرار می‌دهد. کشور مالی به دلیل خشکسالی، ۹۰ هزار هکتار زمین را در سال ۲۰۲۱، از دست داده که این امر زندگی بیش از ۳ میلیون نفر از اهالی کشور مالی را تحت تاثیر قرار داده است. این امر سبب کاهش ۱۰،۵ درصدی تولید غلات در کشور نیز شده است.

جمعیت صلیب سرخ مالی، دارای داوطلبانی است که همراه با افراد جامعه همواره در صحنه حضور دارند، این داوطلبان مرکز کمک‌های بشردوستانه در کشور مالی هستند.

به گفته اسپل جاریک، در زمان ناپایداری جهان و افزایش چالش‌های بشردوستانه، باید اطمینان پیدا کنیم که منطقه ساحل فراموش نخواهد شد. در حالی که پاسخگویی اضطراری به شرایط وضعیت جاری ضرور است، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هدفمند برای کمک به سازگاری افراد با تغییرات ناگهانی ناشی از پدیده تغییرات اقلیمی و عدم وابستگی به کمک‌ها است.

راه های ارتباطی

۳۰۰۰۲۷۰۰

نشریه پیام هلال در سری جدید انتشارش در نظر دارد در این صفحه صدای امدادگران، نجاتگران، داوطلبان و خلاصه همه مخاطبان این نشریه باشد. اگر شما به ما پیام بدهید و از مشکلات بگویید و پیشنهاداتتان را مطرح کنید، ما آنها را منعکس می کنیم و در شماره های بعدی هم پاسخ مسئولان مربوطه را منتشر خواهیم کرد.



الو پیام هلال...

چرا شیفت ها سقف دارد؟

با سلام، نجاتگر یکم هستم و سه ساله منتظر آزمون ایثار هستیم، هنوز هیچ خبری نشده لطفا صدای ما را به گوش مسئولین محترم برسانید. با تشکر سلام آزمون ایثار حتما تا قبل از پایان سال انجام خواهد شد.



با سلام - ما نتوانستیم بیمه خودمون رو تو سامانه ثبت کنیم، آیا بیمه هستیم یا نه چیکار باید کنیم؟! لطفا راهنمایی کنید با تشکر

برای آن افرادی که مدارک و اطلاعات کامل در سامانه امدادیار نداشتند، مجدد فرصتی برای ثبت اطلاعات و مدارک داده خواهد شد و هزینه بیمه را جمعیت مستقیم به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز خواهد نمود.



با سلام، سوال من اینکه به با توجه به ساماندهی

خواهد شد.



سلام وقتتون بخیر - در مورد بیمه که گفته شد باید ۶ ماه مستمر در در پایگاه فعالیت داشته باشیم سوال دارم

بنده از فروردین ماه تا کنون سه جز دو ماهش (اردیبهشت و خرداد) شیفت ندادم و ۶ ماه مستمر فعالیت نداشته ام آیا بیمه به من تعلق میگیرد؟ بله اگر قبل و بعد با جمعیت همکاری داشتید، مشمول طرح بیمه خواهید شد.



آیا آزمون ایثار امسال برگزار می شود؟

قبلا هم توضیح داده شد که با تلاش و پیگیری سازمان امداد و نجات، برگزاری آزمون ایثار، امسال در برنامه این سازمان هست؛ که زمان و شیوه نامه آن در موعد مقرر به زودی ابلاغ خواهد شد.

جدید نجاتگران ((در مورد بیمه و حق ایاب و ذهاب)) که انجام شده، آیا امکان دارد که از تیم واکنش سریع یک استان به تیم واکنش سریع استان دیگره جابجایی انجام بدیم؟؟ اگر همیشه بی زحمت مراحلش رو هم ذکر بفرمایید. ممنونم

سلام- انتقال نیروهای داوطلب با موافقت بین مسئولین شعب دو استان و از طریق ثبت در سامانه امدادیار امکان پذیر است.



سلام وقت بخیر - یه سوال داشتم خدمتون، جسارتا برای تست در چه ایثار از دستورالعمل سابق استفاده میشه، یا دستورالعمل جدید هست؟ ممنون از پاسخگویی شما سلام- در خصوص آزمون ایثار، در آینده نه چندان دور، زمان و دستورالعمل اجرایی و موارد آزمون اعلام



فرواش میکنم
با رقت ملاقه بفرمایید...